

الحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَمَّةِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَمَّةِ

پیامبر اعظم ﷺ فرمود: «صلوات ناقص بر من نفرستید! پرسیدند صلوات ناقص چیست؟ فرمودند: اینکه بگویید خدایا بر محمد درود بفرست و سپس ادامه ندهید؛ بلکه بگویید خدایا صلوات فرست بر محمد و بر خاندان محمد.» با این حال برخی از آن‌ها ذکر خاندان (آل) را عمدتاً ترک می‌کنند. این عمل نزد اهل سنت و به‌ویژه وهابی‌ها شایع است. [...] شیعه مراجع امروزی نیز مایل‌اند آنچه را که خود می‌پسندند به صلوات اضافه کنند. حتی پیروان خود را با این فرهنگ بار می‌آورند که شایسته است وقتی اسم رهبران و بزرگان‌شان به میان می‌آید برای رهبران‌شان صلوات بفرستند؛ اکنون این رویه به معروفی انکارناپذیر، تبدیل شده است!

صلوات بر محمد و خاندان گرامی آن حضرت، واعظی زنده و همیشگی است که بر جفای این امت در صدر اسلام و نیز روزهایی که ما در آن زندگی می‌کنیم گواهی می‌دهد.

سید احمد الحسن، کتاب «در محضر عبد صالح»، جلد ۱، صفحه ۱۱۴ و ۱۱۵



مهدیین دوازده‌گانه از اولاد امام مهدی (عج)، در نگاه علما و محققان مهدویت

قسمت اول

سلسله پاسخ‌هایی به بدعت ۱۰۱ یوحنا دمشقی

قسمت نهم | پاسخ به چند شبهه

سید احمد الحسن را این گونه شناختم

به قلم: مهندس حیدر عثمان

قمه‌زنی؛ بررسی تطبیقی دیدگاه سید احمد الحسن و فقهای شیعه

قسمت دوم (پایانی)

سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیرالمؤمنین؛ که فرمود: «...ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن [خلافت] را به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

سید احمد الحسن

فهرست



سید احمد الحسن را این گونه شناختم..... ۳

مهدیین دوازده گانه از اولاد امام مهدی علیه السلام، در نگاه علما و محققان
مهدویت اقسامت اول..... ۵

قمه زنی؛ بررسی تطبیقی دیدگاه سید احمد الحسن و فقهای
شیعه اقسامت دوم (پایانی)..... ۷

سلسله پاسخ هایی به بدعت ۱۰۱ یوحنا دمشقی اقسامت نهم..... ۱۰

هفته نامه زمان ظهور

شماره ۱۴۲، جمعه ۹ دی ۱۴۰۱،
۶ جمادی الثانی ۱۴۴۴، ۳۰ دسامبر ۲۰۲۲
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت

راه های ارتباطی:
WWW.VARESin.ORG
WWW.ALMAHDYOON.CO



هر گونه برداشت از هفته نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات
سازنده شما عزیزان است.

الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد وآله
الطاهرين

سید احمدالحسن را این‌گونه شناختم

به قلم: مهندس حیدر عثمان

بسم الله الرحمن الرحيم
والحمد لله رب العالمين

اللهم صل على محمد وال محمد الائمة والمهديين وسلم تسليما
حمد و سپاس برای خداوند است به خاطر هدایتش؛ حمد و سپاس
مخصوص خدایی است که اولیای خود را به ما شناساند و پیش از آنکه
خوار و ذلیل شویم ما را نجات داد. خداوند ا حمد و منت از آن توست.
(پروردگارا، من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی، در کنار
خانه‌ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند؛ تو دل‌های
گروهی از مردم را متوجه آن‌ها ساز و از ثمرات به آن‌ها روزی ده؛ شاید آنان
شکر تو را به جای آورند). (ابراهیم، ۳۷)

چگونگی ورودم به دعوت مبارک:

در ماه صفر سال ۱۴۲۴ ه.ق، و در یکی از شب‌های مبارک این ماه که ماه بازگشت اُسراست، برادر بزرگم
آمد و باب سخن درباره قضیه امام مهدی علیه السلام را باز کرد، و کلامش را این‌گونه آغاز کرد:
اگر هنگام آمدن امام مهدی علیه السلام تکلیف تو جابه‌جا کردن یک سنگ بزرگ و سنگین باشد و تو از این
تکلیف آگاه نباشی و امام مهدی علیه السلام بدون آنکه از پیش هشدار داده باشد بیاید و به تو بگوید اکنون
باید این سنگ را بلند کنی، این ظلم بوده و تو در پاسخ خواهی گفت من از بلند کردن این سنگ بزرگ
اطلاعی نداشتم؛ چرا کسی را برای ما نفرستادی که به ما بگوید، ای مولای من؛ اما هنگامی که امام علیه السلام
فردی را برای تو بفرستد که به تو بگوید هنگام آمدن امام مهدی علیه السلام، تو باید این سنگ را بلند کنی،
پس تو برای این قضیه آماده خواهی بود؛ یعنی برای بلند کردن سنگ جرتقلی آماده می‌کنی؛ در نتیجه
بلند کردن آن برای تو سنگین نخواهد بود و ظلمی در حق تو محسوب نمی‌شود....

سید احمدالحسن:

خداوند سبحان و متعال را با خدای در خلق بشناس و او، همان امام مهدی علیه السلام است. ایشان
که سلام و صلوات پروردگارم بر او باد، تجلی و ظهور خدا در خلق است؛ یعنی تجلی و ظهور
شهر کمالات الهی در خلق.
(متشابهات، جلد ۱، پرسش ۱)

کلام برادرم به درازا انجامید و گفت: قضیه امام مهدی علیه السلام نیز باید دارای زمینه سازی باشد؛ زیرا همچنان که آن سنگ سنگین است، آن [امام مهدی علیه السلام] هم [امری] سنگین است؛ پس باید زمینه سازی وجود داشته باشد که برای امام مهدی علیه السلام زمینه سازی کند و مردم را هشدار دهد و به آن ها پیاموزد که پیش از آمدن امام مهدی علیه السلام، تکالیفی دارند که باید انجام دهند.

سپس برادرم گفت: امام مهدی علیه السلام فرستاده های را فرستاده که در محله «الزهراء» هست و نام او احمد است و مردم را به امام مهدی علیه السلام دعوت می کند. وقتی برادرم صحبت می کرد ترس شدیدی داشتم و وقتی گفت امام مهدی علیه السلام فرستاده های را فرستاده و خواهان بیعت است با خودم گفتم من با او هستم.

از این وضعیت، خشمگین و آزرده بود و مسئولیت حضور آن ها را برعهده سیستمی قرار می داد، و فرمود (نقل به مضمون): «سیستانی اگر با یک فتوا به آن ها دستور دهد که از شهر نجف بیرون بروند، آنان بیرون می روند.»

واقعاً از حضور آن ها که خدا لعنتشان کند نگران بود. او نماز جمعه را برایمان خواند و کاملاً یقین پیدا کردم که این سید احمد الحسن است. ما [معمولاً] سید احمد الحسن را نمی دیدیم؛ چون امتحان داشتیم و ایشان نمی پذیرفت در حالی که درسمان تمام نشده به حسینه برویم، و در زمانی که ایشان در حسینه بود به خاطر مدرسه از دیدنشان محروم شده بودیم. من در کلاس سوم متوسطه بودم؛ والحمد لله وحده.

پس از گذشت مدت زمانی طولانی از دعوت مبارک، روزی خواستیم به زیارت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام برویم. سفرمان خانوادگی بود. عید غدیر نزدیک بود. وارد نجف شدیم. در ورودی نجف اشرف ایستادگی برای بازرسی وجود داشت. ما را برای بازرسی نگه داشتند. پیاده شدیم که بازرسی شویم. برادرم را دیدم که [به سوی] دوید و من هم پشت سرش دویدم. خودرویی را دیدم که انصار در آن بودند. آن ها را می شناختم و به آنان سلام کردم. وقتی به همه آن ها سلام کردم [دیدم] راننده در ماشین مانده و پیاده نشده است. به داخل خودرو نگاه کردم، دیدم او سید احمد الحسن است. هنگامی که ایشان را دیدم نتوانستم خودم را کنترل کنم و شادمانی وجودم را فراگرفتم؛ اما نتوانستم حتی یک قدم به سوی ایشان بردارم تا سلام کنم، ولی در درونم به ایشان سلام می کردم. برادرم رفت که به ایشان سلام کند، سید احمد الحسن پیاده شد و به برادرم سلام کرد. والحمد لله رب العالمین

در این بین، پسرعموهایم هم اشکالاتی مطرح کردند؛ چون حضور داشتند و دعوت الهی را انکار می کردند؛ و ما در همان وقت با سید احمد الحسن بیعت کردیم. برادرم گفت پیش از آنکه بایستید بیعت کنید و ما بیعت کردیم. اولین هفته ای بود که من به تکلیف رسیدم و از همان موقع رؤیاهایم شروع شد و سید احمد علیه السلام را در رؤیا می دیدم. والحمد لله رب العالمین.

پس از ورودمان به دعوت مبارک، در یک روز جمعه، من و برادرانم قرار گذاشتیم برویم و به دنبال سید احمد الحسن بگردیم؛ چون بر این باور بودیم که او در میان ماست. قرار گذاشتیم که به جست و جویش بپردازیم. وقتی به حسینه انصار امام مهدی علیه السلام در بصره وارد شدیم، هنوز نماز جمعه برپا نشده بود و انصار داشتند برای نماز جمعه مهیا می شدند. رفتیم تا به انصار سلام کنیم، دو نفر را دیدیم که نزدیک نرده ایستاده بودند و پوشش عربی داشتند، یعنی لباس عرب ها. به خدا قسم وقتی طلعت زیبای صاحب الامر علیه السلام را دیدم ضربان قلبم تندتر شد؛ خیلی می ترسیدم. همراه برادرانم رفتم تا به ایشان سلام کنم، چون هر سه نفرمان همان حالت اضطراب را داشتیم. وقتی او را دیدم یک احساس زیبا و خوشحالی بزرگی در من به وجود آمد. به او سلام کردم و او نیز به من سلام کرد و فهمیدم او همان سید احمد الحسن است. سپس نماز جمعه برپا شد. ایشان ایستاد و نماز را اقامه کرد. یقینم بیشتر شد؛ چون [معمولاً] نماز جمعه توسط یکی از شیوخ بزرگوار اقامه می شد، اما [آن روز] وقتی صاحب الامر علیه السلام حضور یافت، حتی آن شیخ هم به کناری رفت، و [سید] خطبه شریفش را خواند. در خطبه درباره حضور آمریکایی ها در نزدیک حرم شریف امیرالمؤمنین علی علیه السلام صحبت می کرد و

سید احمد الحسن:

به آنچه از ملکوت آسمان ها می شنوید و آنچه در ملکوت آسمان ها می بینید گواهی دهید، مردم را با حق آشنا کنید، آنان را به حق دعوت کنید و همگان را به سفره ای که از آسمان فرود آمده است دعوت کنید.

(کتاب «نامه هدایت»)

مهدیین دوازده گانه از اولاد امام مهدی علیه السلام، در نگاه علما و محققان مهدویت

نویسنده: نعیم احمدی

اقسمت اول

وقتی نزد بسیاری از شیعیان از وجود دوازده مهدی پس از امام مهدی علیه السلام سخن به میان می آید، اظهار می کنند که برای اولین بار است چنین چیزی را می شنوند. اما نباید غافل بود که در مسائل اعتقادی، پذیرش یا انکار اکثر علمای غیرمعصوم یا مشهور بودن یا نبودن امری اعتقادی در میان شیعیان، نباید دلیل حقانیت یا بطلان آن شمرده شود؛ بلکه فقط ادله و برهان است که باید معیار پذیرش یا رد عقیده ای قرار گیرد. غالب علما نیز معترف اند تقلید در عقاید جایز نیست، و در روایات نیز به این تصریح شده که باید دین را از کتاب و سنت گرفت نه از رجال (شخصیت های مشهور دینی):

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «هرکس دینش را از دهان مردان بگیرد، همان ها او را از دین خارج می کنند؛ اما کسی که دینش را از قرآن و احادیث بگیرد، کوه ها از بین بروند، دین او از بین نمی رود.» [۱]

امیر مومنان علی علیه السلام فرمود: «حق و دین خدا با [قدر و منزلت] اشخاص شناخته نمی شود؛ بلکه به نشانه حق شناخته می شود. خود حقیقت را بشناس تا اهل آن را بشناسی.» [۲]

مقدمه

روایات متواتری دلالت می کند که از نسل امام مهدی (امام دوازدهم)، دوازده مهدی وجود دارد که اوصیای امام مهدی علیه السلام و از حجت های معصوم خداوند هستند و یکی پس از دیگری بر زمین حکومت می کنند. در سلسله مقالات «روشنگری درباره رمزگونه بودن روایات اهل بیت درباره مهدیین و مهدی اول» به تفصیل درباره اینکه موضوع مهدیین از اسرار اهل بیت علیهم السلام بوده، سخن گفته شد و درباره علت و کیفیت سر بودن مهدیین علیهم السلام شواهدی ذکر شد و بیان کردیم زمان افشای دقیق و کامل امر مهدیین، به یمانی (مهدی اول از مهدیین دوازده گانه) سپرده شده است.

همین ماهیت رمزگونه مهدیین است که باعث شده در طول تاریخ اسلام، در منابع و کتاب ها و نگاشته های دانش پژوهان شیعه، آن گونه که از ائمه دوازده گانه سخن به میان آمده، از مهدیین علیهم السلام سخن به میان نیاید و نتیجه آن شده که اکثر شیعیان در طی قرون متمادی از وجود مهدیین بی اطلاع مانده اند و تبعاً عقیده به مهدیین بین شیعه شهرت نیافته است؛ به طوری که حتی اکنون نیز

شیخ ناظم عقیلی:

آیا کسانی که ازدواج و ذریه برای امام مهدی علیه السلام را نفی می کنند، به تطبیق شریعت از سوی امام مهدی علیه السلام سزاوارتر هستند؟! جایی که امام مهدی علیه السلام را از آن محروم ساخته و برای خود و بقیه مردم جایز می دانند!

(مقدمه کتاب پاسخ قطعی به منکران فرزندان امام مهدی علیه السلام)



نشان می‌دهد یا حداقل احتمال آن را جایز می‌داند که این دسته را دیدگاه‌های هم‌سو می‌نامیم.

و **دسته دوم** که با تأویل روایات، آن را به کلی انکار می‌کند که این دسته را دیدگاه‌های ناهم‌سو می‌نامیم که در سلسله مقالاتی دیگر آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

اما آنچه محوریت این سلسله مقالات را تشکیل می‌دهد، دیدگاه‌های دسته اول است که تلاش شده علاوه بر ذکر آرای برخی علما و محققانی که در کتاب‌های انتشارات انصار امام مهدی (عج) آرای برخی علما و محققانی نیز ذکر شود که در کتاب‌های منتشر شده از انصار امام مهدی (عج) تاکنون اشاره‌ای به آن نشده است.

از جمله علما و محققانی که می‌توان آن‌ها را در زمره صاحبان دیدگاه دسته اول دانست و در این سلسله مقالات، دیدگاه‌های آن‌ها را ذکر و بررسی می‌کنیم، این افراد هستند:

۱. شیخ صدوق؛ ۲. شیخ مفید؛
۳. شیخ طبرسی؛ ۴. شیخ اربلی؛ ۵. شریف مرتضی؛ ۶. شیخ علی نمازی؛
۷. محدث نوری؛ ۸. ملا محسن فیض کاشانی؛ ۹. سید محمد صادق صدر؛ ۱۰. سید محمد باقر صدر؛ ۱۱. علی کورانی؛ ۱۲. سید کاظم حسینی حائری؛ ۱۳. صدرالدین قبانچی؛ ۱۴. سید رشیدالدین حسینی؛ ۱۵. محمد امینی گلستانی؛ ۱۶. مهدی حمد فتلاوی؛ ۱۷. رزق خلیل؛ ۱۸. علی اصغر رضوانی.

پانوشته:

۱. الکافی، ج ۱، ص ۷؛ الغیبة، نعمانی، ص ۲۲.
۲. الامالی مفید، ص ۵.

آنچه باعث شده ذکر تصریحات علما و محققان مهدویت درباره مهدیین، با وجود کاستی‌های موجود در آن‌ها، سودمند تلقی شود این است که این بهانه که عقیده به مهدیین با عقاید رایج شیعه درباره انحصار جانشینان پیامبر در دوازده امام، متعارض و خلاف اجماع شیعه است رنگ می‌بازد و دیگر کسی نمی‌تواند به این شبهه ساده‌اندیشانه متوسل شود که اگر عقیده به مهدیین دوازده‌گانه حق است، پس چرا هیچ‌یک از علما و محققان شیعه، به آن اشاره نکرده است؛ به عبارت دیگر، با ذکر اشارات علما درباره مهدیین (عج) می‌توان از غرابت این موضوع در اذهان محققان کاست تا زمینه ذهنی برای عقیده به مهدیین در آنان فراهم شود و در نتیجه، محقق منصف، خود متوجه شود که اگر عالمان دین، تمام زوایای مربوط به مهدیین را آن‌گونه که شایسته آن است درک نکرده‌اند، علتش این نبوده که دلایل کافی برای صحت عقیده به مهدیین (عج) وجود نداشته است؛ بلکه علتش این بوده که زمان افشای امر مهدیین فرا نرسیده بوده است.

اقسام دیدگاه علما و محققان

مهدویت درباره مهدیین (عج)

دیدگاه علما و محققان مهدویت درباره مهدیین دوازده‌گانه به عنوان حجت‌های معصوم الهی که بعد از امام دوازدهم می‌آیند، می‌توان به دو دسته کلی تقسیم‌بندی کرد:

دسته اول که آن را می‌پذیرد یا آن را ارجح می‌داند و به آن تمایل

باین حال، در عبارات برخی از محققان و علمای صاحب‌نام گذشته و معاصر، اشاراتی درباره مهدیین دوازده‌گانه وجود دارد که شایسته تأمل است و نشان می‌دهد برخی دانشوران شیعه به مهدیین دوازده‌گانه توجه داشته و به پذیرش آن متمایل بوده‌اند.

گفتنی است که اشارات علما و محققان مهدویت به مهدیین دوازده‌گانه بدین معنا نیست که آن‌ها تمام زوایا و اسرار مهدیین را فهمیده‌اند؛ بلکه **اولاً**، بسیاری از روایات درباره مهدیین (عج) از نگاه علما و محققان مهدویت مغفول مانده است؛ **ثانیاً**، در کلام اغلب علما، جایگاه مهدیین (عج) و اینکه آنان از اوصیای الهی و دارای مقام امامت هستند به طور مستدل و دقیق تبیین نشده است، و حداکثر اینکه به آن اشاره‌ای اجمالی شده است؛ **ثالثاً**، تعارض ظاهری‌ای که ممکن است بین روایات مهدیین (عج) و سایر روایات (یعنی روایات ائمه اثناعشر و روایات رجعت) فرض شود، در غالب بیانات علما، یا به آن توجه نشده، یا اینکه راهکار درستی برای رفع تعارض آن ارائه نشده است.

این‌ها در حالی است که در دعوت یمانی، هیچ‌یک از سه ایراد یادشده وجود ندارد و استدلال‌های موجود در کتاب‌ها و بیانات سید احمد الحسن و انصار ایشان درباره مهدیین آن‌چنان متقن است که جای هیچ شبهه‌ای در درستی عقیده به مهدیین به عنوان حجت‌های معصوم الهی باقی نمی‌گذارد.

شیخ ناظم عقیلی:

کسانی که ازدواج و ذریه برای امام مهدی (عج) را نفی می‌کنند، در اصل، به وجود و زندگی امام مهدی (عج) شک و شبهه دارند؛ اینکه زنده است و از خلال این سال‌های طولانی روزی می‌گیرد.

(مقدمه کتاب پاسخ قطعی به منکران فرزندان امام مهدی (عج))



قمه زنی

بررسی تطبیقی دیدگاه سید احمدالحسن
و فقهای شیعه

نویسنده: علی تهرانی
قسمت دوم (پایانی)

ناحیه مقدسه بیان شده است که جای تأمل دارد. این قدر مصیبت امام حسین علیه السلام و یارانش بر ایشان سخت است که می فرماید: «أَنْذَبْتُكَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً وَ لِأَبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا» «هر صبح و شام بر تو گریه و شیون می کنم و در مصیبت تو به جای اشک، خون می گیرم.» [۱]

بسیار جا دارد اندکی در محضر سخن سید احمدالحسن باشیم و جایگاه امام حسین علیه السلام و عزاداری برای ایشان را درک کنیم:

«امام حسین علیه السلام فرزند شیرخوارش را برد تا برایش درخواست آب کند در حالی که آن حضرت می دانست او کشته می شود؛ و بدان که باطل را جولانی است و حق

در قسمت قبل بیان کردیم از جمله مسائلی که بین مراجع و فقهای شیعه درباره اش اختلاف نظر است، قمه زنی است. تا جایی که در این باره، برخی قائل به واجب بودن و برخی قائل به استحباب و برخی حتی قائل به بدعت و حرمت این مسئله شدند. نظرات چند تن از مراجع شیعه را بیان کردیم. در این قسمت که بخش پایانی است، قصد داریم نظر صحیح را بیان کنیم؛ نظر سید احمدالحسن، وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام.

وقتی برای یکی از ما مصیبتی رخ بدهد و پدر یا مادر یا یکی از نزدیکان ما فوت کند، ممکن است در عزا و از دست دادن آن ها به سر و صورت خودمان بزنیم و حتی ممکن است سر و صورت خودمان را چنگ بزنیم و خونین شویم. از قول امام مهدی علیه السلام مطلبی در زیارت

سید احمدالحسن:

بارِ فضل حسین علیه السلام بیشتر از همه خلق خدا بر دوش امام مهدی علیه السلام و من بنده فقیر و مسکین سنگینی می کند، و دین حسین علیه السلام بر پشتم سنگینی می کند و تاب و توان ادای آن را ندارم مگر اینکه خدا خودش یاری ام فرماید.

(متشابهات، جلد ۴، پرسش ۱۲۳)



را به اجرا درآورد؛ امتی که تنصیب خداوند را نپذیرفت و مقرر داشت که خودش (حاکم را) منصوب کند؛ امتی که با سینه‌ای گشاده تنصیب ابوبکر برای عمر را پذیرا شد، و با جزم و قاطعیت، تنصیب محمد فرستاده خدا را برای علی علیه السلام را که به امر خداوند سبحان بود نپذیرفت؛ همان امتی که کارش به جایی رسید که یزید فرزند میسون (لعنه الله) را خلیفه و جانشین خداوند بر زمینش دانست و حسین فرزند فاطمه را خارجی قلمداد کرد؛ همان امتی که سقیفه را به نیکی ستود؛ سقیفه‌ای که منجر به شکستن سینه فاطمه زهرا و اسارت زینب حورا و دختران رسول خدا شد. [۳]

لذا محور اصلی عزاداری‌ها برای امام حسین علیه السلام باید بررسی و علت خروج ایشان یادآوری شود. باید از کار امام حسین علیه السلام در جهت پیروزی خود و سر بلند آمدن در امتحان در این زمان استفاده کرد. ایشان برای زنده نگاه داشتن حاکمیت خداوند خروج کرد و اینکه در هر زمانی، از سمت خداوند متعال نماینده‌ای وجود دارد.

ایشان در ادامه سخن خویش می‌فرماید:

«قطعاً زنده نگاه داشتن یاد شهادت حسین علیه السلام در عاشورای محرم هر سال، احیا و زنده نگه داشتن دین الهی از زمان نزول آدم علیه السلام است؛ چرا که حسین با خونش قربانی شد تا بگوید تنها خداوند مالک سلطنت است و او کسی است که خلیفه و جانشینش در زمینش را منصوب می‌کند: (وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي

امام مهدی علیه السلام کرد. آن حضرت ذبیح الله است؛ یعنی همان طور که شما وقتی خانه‌ای می‌سازی یک گوسفند قربانی‌اش می‌کنی، خداوند سبحان و متعال نیز هنگامی که عرش خود و آسمان‌هایش و زمینش را برپا نمود، حسین علیه السلام را فدای آن‌ها کرد.

قضیه امام مهدی علیه السلام همان قضیه خداوند و سر منزل انذار الهی است، و همان قضیه عرش خدای سبحان و ملک او و حاکمیت او در زمینش است. حق تعالی می‌فرماید: (وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ) (و او را به فدیة‌ای (قربانی) بزرگ باز خریدیم)؛ یعنی با امام حسین علیه السلام؛ و کسی که فدیة برایش انجام شده، امام مهدی علیه السلام است؛ پس سلام بر ذبح شده آرامش و حق و عدالت است. [۲]

باید توجه داشته باشیم که برای بزرگداشت و یادآوری مصیبت امام حسین علیه السلام، هر مسئله‌ای که مظلومیت حسین علیه السلام را بیان کند، پسندیده و خوب است.

سید احمد الحسن می‌فرماید: «هر چیزی که مظلومیت حسین علیه السلام را برای مردم بیان کند مستحب و پسندیده، و اجر عظیم در آن است و با اجرترین آن‌ها شناخت و معرفت علت خروج امام حسین علیه السلام و بیان آن برای مردم است؛ اینکه حسین علیه السلام برای اصلاح امت خروج کرد؛ برای خارج کردن امت از سرگردانی که در آن داخل شده بود، پس از آنکه امت از خواست و اراده خداوند سرپیچی کرد و چنین مقرر داشت که خواست و اراده خودش

را دولتی، و برای اینکه جولان باطل به نهایت خود برسد، لشکر شیطان که خداوند لعنتش کند باید در هر ورطه تاریکی فرو روند و باید در نبرد با لشکر خدا، هر آنچه را که در چنته دارند و هر آنچه را که در آن غوطه‌ور شده‌اند از خود بروز دهند.

و بدان که مصیبت‌های امام حسین علیه السلام، از شدت ظلم‌های بسیار بسیار زیاد ظالمان که شما را یارای تحملشان نیست، کاسته است تا به رضای خدای سبحان دست یابید و شما را در بهشت‌هایی که نهرها از زیر آن جاری است داخل نماید.

امام حسین علیه السلام خون شریف مقدس خود را فدای خون‌های شما کرد و برترین زنان عالم از اولین و آخرین پس از مادرش حضرت فاطمه را که زینب علیها السلام است فدای زنان و ناموس‌های شما گردانید و شیرخوارش را فدای فرزندان شما کرد. بار فضل حسین علیه السلام بیشتر از همه خلق خدا بر دوش امام مهدی علیه السلام و من بنده فقیر و مسکین سنگینی می‌کند، و دین حسین علیه السلام بر پشتم سنگینی می‌کند و تاب و توان ادای آن را ندارم مگر اینکه خداوند خودش یاری‌ام فرماید.

بدان، هنگامی که امام مهدی علیه السلام درباره امام حسین علیه السلام می‌فرماید «بر تو به جای اشک خون می‌گیریم» حقیقتاً می‌فرماید نه از روی مبالغه؛ از آن رو که امام حسین علیه السلام خون شریف خود و نفس مقدسش را فدای قضیه امام مهدی علیه السلام گردانید و خودش را فدای قضیه

سید احمد الحسن:

پیوستن به حسین علیه السلام در بالاترین درجاتش، التزام به مبانی حسین و روش حسین و پیوستن به حسین زمانی است که مؤمن در آن زندگی می‌کند.

(متشابهات، جلد ۱، پرسش ۱۴)

به فرد نرساند، جایز است. ولی باید بدانیم که این عمل باید در خانه و به دور از چشم مردم، انجام شود؛ به این خاطر که عملش خالصانه باشد. ولی افرادی که به شکل دسته جمعی و در ملأ عام اقدام به این کار می کنند، کارشان صحیح نیست و باید از این کار دوری کنند و جایز نیست. به این خاطر که باعث تنفر افراد از اسلام می شود و باعث ضرر و زیان به دین است.

اکنون به روشنی دیدیم که فقهای شیعه چگونه در این باره نظر دادند و هر کدام به یک وادی رفتند و سید احمد الحسن، چگونه در این باره نظر حقیقی را بیان کرد. با مقالات بعدی و در موضوعات بعدی با ما همراه باشید.

پانوشته:

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۲۳۸.
۲. متشابهات، سید احمد الحسن، ج ۴، پرسش ۱۲۳.
۳. پاسخ های فقهی، مسائل متفرقه، جلد ۱، پرسش ۱.
۴. بقره، ۳۰.
۵. پاسخ های فقهی، مسائل متفرقه، جلد ۱، پرسش ۱.
۶. پاسخ های فقهی، مسائل متفرقه، جلد ۱، پرسش ۱.
۷. پاسخ های فقهی، مسائل متفرقه، جلد ۱، پرسش ۲.
۸. پاسخ های فقهی، مسائل متفرقه، جلد ۱، پرسش ۴.

ایشان در پاسخ پرسش درباره قمه زنی می فرماید:

«قمه زنی به خودی خود اگر فقط جراحی سطحی برای خارج کردن خون باشد و آسیبی به مؤمن نرساند جایز است؛ اما اگر موجب تنفر مردم عامه از اسلام یا باعث طعنه وارد کردن به اسلام شود جایز نیست؛ و این، همان چیزی است که این روزها حاصل می شود!

بنابر این کسی که می خواهد قمه بزند می تواند در خانه و به دور از چشم مردم این کار را انجام دهد و این کار برای او فضیلت بیشتری نیز دارد، تا به این ترتیب عملش خالصانه برای خدا باشد، اگر در عمل به دنبال رضایت خداوند است؛ اما کسانی که این عمل را به صورت منظم و دسته جمعی و در حضور مردم عامه به خصوص مخالفان و غیرمسلمانان انجام می دهند، موجب تنفر و بیزاری مردم از اسلام می شوند و به این ترتیب عمل آن ها مضر است.» [۷]

ایشان در حکم دیگری این گونه می فرماید:

«پرسش ۴: نظر سید احمد الحسن درباره قمه زنی در عزاداری چیست؟

پاسخ: خداوند شمارا توفیق عطا فرماید! بهتر است از آن اجتناب شود؛ حتی اگر ضرر قابل توجهی به جسم وارد نکند.» [۸]

در نتیجه اگر قمه زنی فقط جراحی سطحی باشد و آسیب قابل توجهی

جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...) (و چون پروردگارت به فرشتگان گفت من در زمین خلیفه و جانشینی می گمارم...).

و هنگامی که ملائکه اعتراض کردند و **(قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ)** (گفتند آیا کسی را قرار می دهی که در آنجا فساد کند و خون ها بریزد و حال آنکه ما به ستایش تو تسبیح می گوئیم و تو را تقدیس می کنیم؟) حق تعالی آنان را پاسخ فرمود: **(قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ)** (گفت: من چیزی می دانم، که شما نمی دانید). [۴] پس آیا اصحاب سقیفه، علم خداوند سبحان و متعال از آنچه را که خود توصیف می کنند دارند تا هر کس را که بخواهند منصوب کنند؟! [۵]

حسین (علیه السلام) خروج کرد تا به مردم بفهماند خلیفه خداوند در هر زمان، با وصیت و نص از جانب خداوند متعال و علم شناخته می شود؛ و ایشان برای پرچم رسول الله (صلی الله علیه و آله) دبح شد: «حسین (علیه السلام) برای پرچم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) = البیعة لله = بیعت از آن خداوند است) قربانی شد. حسین (علیه السلام) قربانی شد تا بنای باطل یعنی حاکمیت مردم را بشکند و شالوده حق یعنی حاکمیت خداوند را بنا کند؛ پس کسی که حقیقتاً می خواهد یاد عاشورا را زنده کند باید هدف از آن یعنی حاکمیت خداوند سبحان و متعال را زنده کند.» [۶]

حال که هدف امام حسین (علیه السلام) از خروجش را متوجه شدیم، سراغ شیوه عزاداری می رویم که محل بحث ماست.

سید احمد الحسن:

سلام بر تو ای ابا عبدالله! پدر و مادرم به فدایت باد. همه چیزت را فدا کردی و هیچ باقی نگذاشتی، حتی زنان و طفل شیر خوارت را، و برای آنان که تو را یاری نکردند، بهانه ای باقی نگذاشتی.

(کتاب «گوساله»، جلد ۱، صفحه ۲۰)

﴿بگو من بدعتی از فرستادگان نیستم﴾

سلسله پاسخ‌هایی به بدعت ۱۰۱ یوحنا دمشقی

اقسمت نهم

اپاسخ به چند شبهه

نویسنده: آندریاس انصاری

■ مریم، خواهر موسی و هارون

دمشقی در ابتدا گفت:

«او [منظورش محمد ﷺ است] می‌گوید یک خدا وجود دارد، خالق همه چیز، که نه زاده و نه زائیده شده است. او می‌گوید مسیح کلمه و روح خداست، حتی یک مخلوق و بنده، و اینکه او بدون نطفه از مریم، خواهر موسی و هارون، زاده شد.» پایان نقل قول.

نقد:

موضوعی که خواننده باید به آن دقت کند این است که محمد ﷺ یا قرآن آن چنانکه دمشقی از روی جهل یا عداوت روایت می‌کند مریم علیها السلام را خواهر موسی و هارون علیهم السلام معرفی نکرده است؛ بلکه در قرآن کریم، این سخن قوم مریم علیها السلام است که نقل می‌شود: (ای خواهر هارون، پدرت مرد بدی نبود و مادرت بدکاره نبود). [۱]

به امید خدا در این قسمت به ادامه نقد نوشته‌های دمشقی درباره محمد ﷺ خواهیم پرداخت؛ اما نخست باید این را بگویم که آنچه از او در این قسمت ارائه می‌شود، اشاراتی است که او به قرآن دارد؛ دمشقی بعد از آن می‌گوید:

«... خیلی چیزهای غیرعادی و کاملاً مضحک دیگری در کتابش وجود دارد که او با افتخار می‌گوید از طرف خدا به او نازل شده است.» پایان نقل قول.

بنابراین آنچه را که او پیش از این سخنش آورده است می‌آوریم و از خواننده مسیحی می‌خواهیم که بعد از دیدن کلماتش و نقد ما بر نوشته‌هایش این سؤال را از خود بپرسد که آیا آنچه در قرآن وجود دارد آن‌طور که دمشقی ادعا می‌کند غیرعادی و مضحک است؟!

با ما همراه شوید!

سید احمد الحسن:

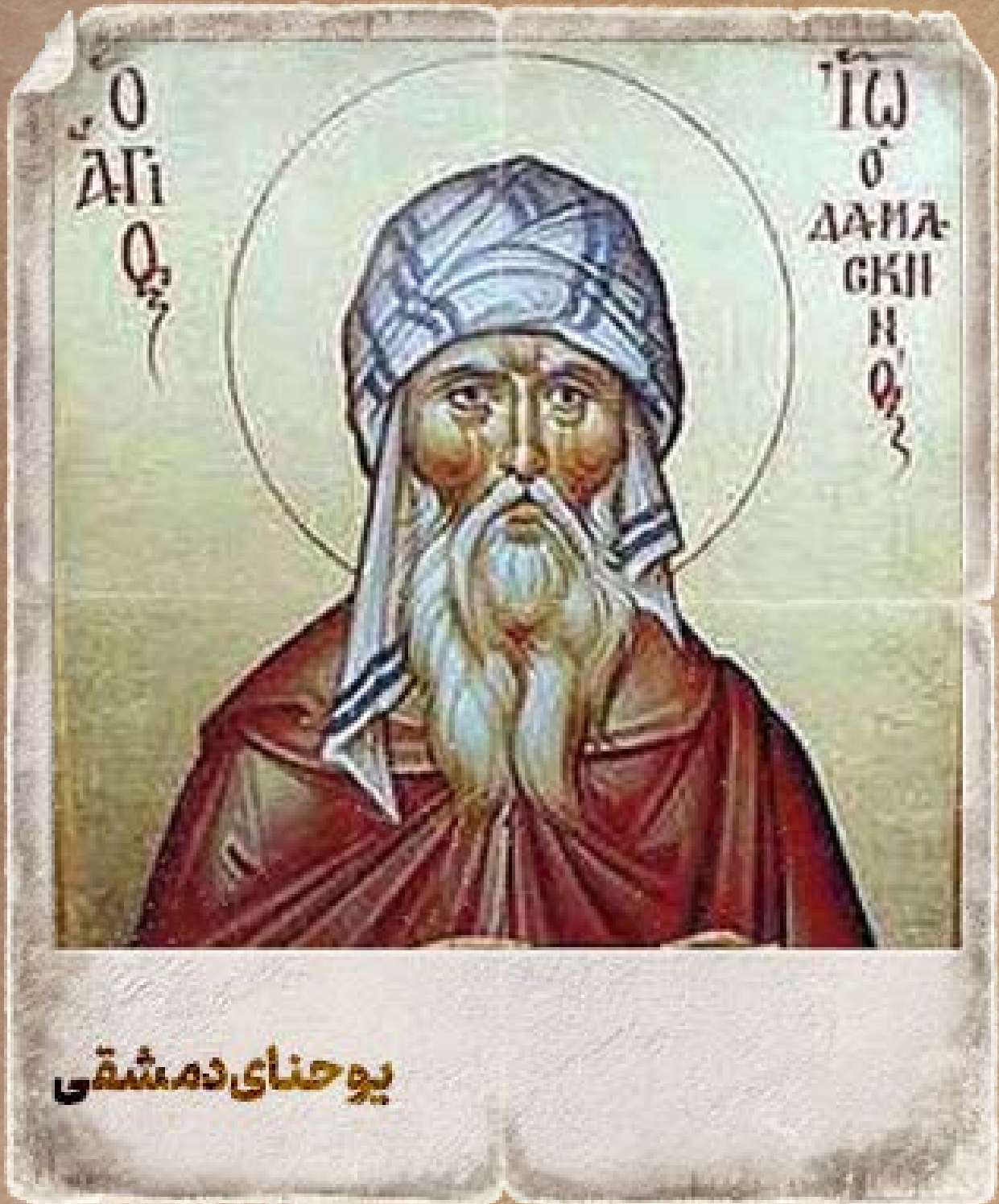
هرگاه انسان واژگونه شود، به باطل سخن می‌گوید؛ در حالی که سخن گفتن اهل باطل اگر بر عقل سلیمی که امور را به دور از هوای نفس و تعصب، در کفه ترازو قرار می‌دهد عرضه شود، جز سفاقت و نادانی سست و ناپایدار نخواهد بود.

(متشابهات، جلد ۴، پرسش ۱۲۶)

و نگفتند خواهر موسی (ع)؟ به این دلیل که هارون، بزرگتر بود و خواهر به او [یعنی برادر بزرگتر] منسوب می شود. مریمی که خواهر هارون و موسی (ع) است در قرآن ذکر شده. خداوند متعال می فرماید: (و به خواهر او گفت: از پی او برو؛ و زن بی آنکه آنان دریابند از دور به او می نگرست * پستان همه دایگان

اما اینکه چرا آن ها او را خواهر هارون (ع) خطاب کردند، روشنگری سید احمد الحسن را تقدیم می کنیم:

«منظور آن ها تشبیه مریم به خواهر موسی (ع) و هارون (ع) بوده است؛ زیرا «مریم خواهر هارون» از نظر آن ها شایسته و پاک بود؛ اما چرا گفتند خواهر هارون



سید احمد الحسن:

عنکبوت، علمای گمراهی خیانت کار، و تار و پودش همان جدالشان با فرستادگان و سفسطه سست و ضعیف آنان است. آیا کسی هست که پند گیرد و خود را از دام ضعیف آنان برهاند و از نیش عنکبوت و مخدری که وارد جسمش کرده است، رها گردد، متوجه خداوند شود و حق را پیروی کند. (روشنگری هایی از دعوت های فرستادگان، جلد ۲، روشنگری پیش از وقوع عذاب)

اصرار دعا مستجاب می شود. [۶]

ب. عکس او، مصلوب، خواستار به صلیب کشیده شدن بود. [۷]
این شخص ممکن نیست همان عیسی علیه السلام باشد؛ عیسایی که خواهان مصلوب نشدن بود.

ج. مصلوب، مریم علیها السلام را «ای زن» صدا زد. [۸] صحیح نیست که تصور کنیم عیسی علیه السلام مادرش را این گونه نامحترمانه خطاب کند؛ در نتیجه این نیز شاهد دیگری بر مصلوب نبودن عیسی علیه السلام است.

د. او اقرار نکرد که پادشاه یهود است [۹] و اعلام کرد که در آن زمان، پادشاهی اش فرانسیده بود؛ او اعلام کرد اگر فرارسیده بود، خدامانش جنگ می کردند تا به یهود تسلیم نشود؛ [۱۰] در حالی که عیسی علیه السلام پادشاه بنی اسرائیل بود و مردم را به آن دعوت می کرد!

ه. او ساکت بود؛ [۱۱] اما عیسی علیه السلام برای علما و مردم دلیل می آورد و حق خود را اثبات می کرد.

آنچه تقدیم شد برگرفته از روشنگری سید احمد الحسن است؛ برای مطالعه توضیحات بیشتر می توانید به کتاب «سیزدهمین حواری» که متعلق به اوست رجوع کنید.

گفت و گوی خدا با عیسی علیه السلام

دمشقی در ادامه گفته است: «و او می گوید، که وقتی مسیح به آسمان عروج کرد، خدا از او پرسید: ای مسیح، آیا تو گفتی «من خدا و پسر خدا هستم»؟ و، به قول او، مسیح

شما بهتر است؛ فقط خدا معبودی یگانه است؛ منزّه از آن است که برای او فرزندی باشد. آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است از آن اوست و خداوند بس کارساز است. [۳]

دقت کنید: (... مسیح عیسی بن مریم فقط پیامبر خدا و کلمه اوست که آن را به سوی مریم افکنده و روحی از جانب اوست...) کجای متن مؤید نقل دمشقی است؟!

به ادامه کلمات دمشقی توجه کنید.

مصلوب

دمشقی در ادامه گفته است: «و او می گوید که یهودیان می خواستند با پایمالی قانون، او را به صلیب بکشند، و اینکه شبخس را دستگیر کردند و به صلیبش کشیدند. او می گوید، مسیح خودش نه مصلوب شد، نه مُرد؛ بلکه خدا، به خاطر عشقش به او، او را به آسمان نزد خودش برد.» پایان نقل قول.

پاسخ:

اگر دمشقی حتی به همین کتاب مقدس توجه می کرد و از خدا فهم آن را طلب می کرد شاید خدا به او لطف می کرد و یاد می داد که عیسی علیه السلام طبق همین کتاب مقدس مصلوب نشد! زیرا:

الف. عیسی علیه السلام بارها دعا کرد مصلوب نشود؛ [۴] فراموش نکنیم او همان عیسایی است که یاد داد دعای با ایمان مستجاب می شود؛ [۵] همان عیسایی که یاد داد با

را از پیش بر او حرام کرده بودیم. آن زن گفت: آیا می خواهید شما را به خانواده ای راهنمایی کنم که او را برایتان نگه دارند و نیک خواهش باشند؟ (قصص، ۱۱ و ۱۲)

او وسیله بازگشت موسی نزد مادرش بود و مریم به موسی علیه السلام ایمان داشت، و شجاع نیز بود. وی موسی را یاری داد و با او هجرت کرد و در سرگردانی، به همراه موسی علیه السلام و هارون علیه السلام آزارهای بسیاری از بنی اسرائیل مُتحمل شد و پیش از هارون علیه السلام در سرگردانی از دنیا رفت. او از موسی و هارون علیه السلام بزرگتر بود. [۲]

به ادامه سخن او می پردازیم.

ورود خدا در مریم علیها السلام؟

سپس دمشقی گفت: «زیرا، او می گوید، کلمه و خدا و روح به مریم ورود کردند و او عیسی را که پیامبر و بنده خدا بود، زایید.» پایان نقل قول.

نقد:

دوباره نقل اشتباه دمشقی را شاهدیم؛ البته اگر نگوئیم نقل توأم با تحریف! چرا که در هیچ جای قرآن گفته نشده است خدای سبحان و متعال وارد مریم علیها السلام شد! بلکه می خوانیم: (ای اهل کتاب در دین خود غلو نکنید و درباره خدا جز درست نگوئید. مسیح عیسی بن مریم فقط پیامبر خدا و کلمه اوست که آن را به سوی مریم افکنده و روحی از جانب اوست؛ پس به خدا و پیامبران او ایمان بیاورید و نگوئید سه گانه است؛ بازایستید که برای

سید احمد الحسن:

علمای گمراهی که با پیامبران می جنگند برای آنان چنین تصویری ایجاد می کنند که آنان آفریده هایی ترسناک اند و نیروهای بسیاری دارند؛ در حالی که خود می دانند برخی از شیاطین در مقابل آیات خداوند یا کلمه ای از کلمات خداوند سبحان تاب مقاومت ندارند. (روشنگری هایی از دعوت های فرستادگان، جلد ۲، روشنگری پیش از وقوع عذاب)

مسیحیان آزاداندیش را به فکر فرو برد؛ او گفته است: «خیلی چیزهای غیرعادی و کاملاً مضحک دیگری در کتابش وجود دارد که او با افتخار می گوید از طرف خدا به او نازل شده است.» پایان نقل قول.

حقیقتاً نمی دانم چه توصیفی را باید برای او بنویسم! پس از این همه اشتباه، خودتان چه توصیفی را برای او به کار می برید؟!

پانوشتها

۱. مریم، ۲۸.
۲. پاسخ های روشن گرانه، ج ۷، ص ۶۵۲.
۳. نساء، ۱۷۱.
۴. مرقص ۱۴: ۳۴-۳۹.
۵. متی ۲۱: ۲۲.
۶. لوقا ۸: ۸۰.
۷. یوحنا ۱۸: ۱۱.
۸. یوحنا ۱۹: ۲۶.
۹. متی ۲۷: ۱۱.
۱۰. یوحنا ۱۸: ۳۶.
۱۱. اِسْعٰی ۵۳: ۷.
۱۲. (اوست کسی که این کتاب را بر تو فرو فرستاد. پاره ای از آن، آیات محکم است. آن ها اساس کتاب اند؛ و [بخش] دیگر متشابهات اند؛ اما کسانی که در دل هایشان انحراف است برای فتنه جویی و طلب تأویل آن از متشابه آن پیروی می کنند؛ با آنکه تأویلش را جز خدا و راسخون در علم کسی نمی داند. می گویند «ما بدان ایمان آوردیم، همه از جانب پروردگار ماست.» و جز خردمندان کسی متذکر نمی شود). (آل عمران، ۷)
۱۳. بحار الأنوار، ط مؤسسه الوفاء، ج ۱۴، ص ۲۳۶، ح ۱۲ و ۱۳؛ عیون أخبار الرضا، ج ۱، باب ۱۹، ح ۲، ص ۲۱۵.
۱۴. موعظه سیزده بر انجیل یوحنا؛ همچنین می توانید به سخن آگستین یا آگوستین در کتاب اول «خطبه سرور ما بر روی کوه»، فصل ۲۱، بند ۷۲ رجوع کنید.
۱۵. مائده، ۱۱۶ تا ۱۲۰.

همراه با تحریفات متعدد و دست کاری های عجیب و غریب است! به عبارت دیگر او خودش مطالبی را اختراع می کند و به قرآن نسبت می دهد؛ می توانید متن قرآن را بخوانید:

(و هنگامی را که خدا فرمود: ای عیسی پسر مریم آیا تو به مردم گفتی من و مادرم را همچون دو خدا به جای خداوند پرستید؟ گفت: منزهی تو، مرا نزیبد که چیزی را که حق من نیست بگویم؛ اگر آن را گفته بودم قطعاً آن را می دانستی. آنچه در نفس من است تو می دانی و آنچه در ذات توست من نمی دانم؛ چرا که تو خود دانای رازهای نهانی * جز آنچه مرا بدان فرمان دادی به آنان نگفتم؛ که خدا پروردگار من و پروردگار خود را عبادت کنید؛ و تا وقتی در میان شان بودم بر آنان گواه بودم؛ پس چون روح مرا گرفتی تو خود بر آنان نگهبان بودی و تو بر هر چیز گواهی * اگر عذاب شان کنی آنان بندگان تواند و اگر بر ایشان ببخشایی تو خود توانا و حکیمی * خدا فرمود این روزی است که راست گویان را راستی شان سود بخشد. برای آنان باغ هایی است که از زیر آن نهرها روان است. همیشه در آن جاودان اند. خدا از آنان خشنود است و آنان از او خشنودند. این است رستگاری بزرگ * فرمانروایی آسمان ها و زمین و آنچه در آن هاست از آن خداست و او بر هر چیزی تواناست). [۱۵]

■ برای مسیحیان آزاداندیش

او پس از این همه اشتباه کلماتی را می گوید که شایسته است تمام

در پاسخ می گوید: «ای خدا، به من رحم کن. تو آگاهترینی که من این را نگفتم و من، این را که عبد تو باشم رد نکرده ام؛ اما گناهکاران نوشته اند که من این ادعا را کرده ام، و آن ها درباره من دروغ گفته اند، و در گمراهی افتاده اند.» و خدا پاسخ داد و به او گفت: «من می دانم که تو این کلمات را نگفتی.» پایان نقل قول.

نقد:

باز هم دمشق طلبی را کم و زیاد و با دست کاری کردن نقل می کند و حتی قرآن را نیز تفسیر می کند؛ مثلاً دمشق نقل می کند: «... وقتی مسیح به آسمان عروج کرد خدا از او پرسید: ای مسیح، آیا تو گفتی «من خدا و پسر خدا هستم؟» پایان نقل قول.

در این متن چند غلط وجود دارد:

۱. در قرآن نیامده است که این متن دقیقاً مربوط به گفت و گوی پس از رفع شدن عیسی علیه السلام است!
۲. طبق قرآن کریم این تنها خدا و راسخون در علم اند که معنی آیات را می دانند [۱۲] و طبق سخن راسخون یعنی خلفای بعد از محمد (ص). این متن با حالت گذشته بیان شده است، اما به آینده اشاره دارد و تحقق نیافته است؛ [۱۳] همان گونه که در کتاب مقدس آیاتی وجود دارد که فعل در آن گذشته است اما به آینده اشاره دارد و یوحنا ملقب به زرین دهان و آگستین از پدران کلیسا درباره آن توضیح داده اند. [۱۴]
۳. گفت و گویی که او نقل می کند

سید احمد الحسن:

کار مردم جای تعجب دارد؛ اگر پادشاهان نسبت به فرمانروایی باطل دنیایی خود بیمناک باشند و علمای بی عمل از جایگاه های دینی خود در هراس، مردم از چه چیزی می ترسند؟ (روشنگری هایی از دعوت های فرستادگان، جلد ۲، روشنگری از سخنان فرستادگان با عذاب شدگان)

مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن ظهور کرد.

ای شیعیان و دوستداران اهل بیت (علیهم السلام)!

فرستاده امام مهدی و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود،

سال هاست که منتظر شماست.

ای یهودیان!

فرستاده ایلیا آمده است.

ای مسیحیان!

تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.

ای اهل سنت!

آن مهدی که در آخر الزمان متولد می شود، اکنون در میان ماست.

ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین!

منجی بشریت با سندی از علم و شگفتی ها آمده است.